

تغییر سیاست ترکیه نسبت به سوریه

دکتر فاطمه‌سادات میراحمدی*

اشاره:

به نظر می‌رسد کودتای نافرجام ترکیه، که شکاف درون ارتش این کشور را آشکار کرد، همراه با دیدار و گفتگوی رجب طیب اردوغان و ولادیمیر پوتین در مردادماه و نیز تهاجم ترکیه به سوریه، در تغییر برخی سیاست‌های ترکیه نسبت به سوریه مؤثر بوده‌اند. نوشتار حاضر، با توجه به سیاست خارجی شکست‌خورده اردوغان در سال‌های اخیر، برخی تغییرات مهم به‌وجودآمده در سیاست خارجی ترکیه و عوامل مؤثر بر این تغییرات را تبیین می‌کند. همچنین با در نظر گرفتن اهداف و اولویت‌های ترکیه در جنگ داخلی سوریه، تلاش دارد نشان دهد سیاست ترکیه در جنگ داخلی سوریه تا چه اندازه و در چه جهتی تغییر خواهد کرد.

مقدمه

نوشتار حاضر برگرفته از مقاله سونر جاگاپتای^۱، مدیر برنامه تحقیقاتی ترکیه در مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن^۲ است، که سپتامبر ۲۰۱۶ منتشر شده است. همان‌گونه که نویسنده بیان کرده، از زمان برکناری احمد داوداوغلو از نخست‌وزیری، در ماه می ۲۰۱۵، ترکیه برخی تغییرات مهم، شامل عادی‌سازی روابط با اسرائیل و تمایل برای بهبود روابط با روسیه را در سیاست خارجی خود اجرا کرده است. مسئله مهم‌تر آنکه در ۲۴ آگوست، نیروهای ترکی وارد شمال غرب سوریه شدند و شهر جرابلس، که تحت کنترل داعش بود را به تصرف درآوردند. جاگاپتای معتقد است که سه هدف ترکیه در جنگ داخلی سوریه، زمینه مشترکی

* همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

1. Soner Cagaptay
2. The Washington Institute for Near East Policy

را در حمله به جرابلس شکل داده‌اند. بدین صورت که تهاجم آنکارا، اجازه می‌دهد که نخست، داعش از مرزهای ترکیه دور شود؛ دوم، مانع از کنترل حزب کردی اتحاد دموکراتیک (DYP) بر منطقه شود؛ و سوم، اینکه منطقه امنی در شمال غرب سوریه برای شورشیان مورد حمایت ترکیه که بر ضد اسد فعالیت می‌کنند، به‌وجود آورد. با توجه به این تحولات، وی این سؤال را مطرح می‌کند که تا چه اندازه و در چه جهتی، سیاست ترکیه در جنگ داخلی سوریه تغییر خواهد کرد؟ به اعتقاد جاگاپتای، این مسئله بستگی به سه تحول بعدی دارد:

اول، ترکیه و روسیه به عادی‌سازی روابط خود ادامه دهند و بر اختلافات در مورد سوریه پایان دهند؛ دوم، مسکو و واشنگتن - با رضایت قطر و عربستان - برای پایان دادن به جنگ سوریه توافق کنند؛ سوم،



اردوغان دستور کار داخلی خود را تغییر و به نزاع خود با حزب کارگران کردستان (KKP)، پایان دهد و در امتداد همان سیاست، با شاخه سوری پ.ک.ک یعنی حزب اتحاد دموکراتیک به سازش برسد.

با این حال، جاگاپتای معتقد است، حتی پس از این رویدادها، بعید به نظر می‌رسد که اردوغان به یک‌باره کاملاً سیاست خود در سوریه را تغییر دهد و از در دوستی با اسد در آید.

سیاست خارجی شکست خورده ترکیه

جاگاپتای ابتدا به بررسی روند سیاست حزب عدالت و توسعه پرداخته و توضیح می‌دهد که حزب عدالت و توسعه (PKA) از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲، از دکترین سنتی سیاست خارجی ترکیه سرپیچی کرده است. رئیس‌جمهور ترکیه، معتقد بود که به جای همکاری با غرب، ترکیه باید تبدیل به قدرتی مستقل و یک ستاره در خاورمیانه شود؛ این استدلال توسط داوداوغلو، حمایت می‌شد. با این حال تیم اردوغان-داوداوغلو، نه تنها برای ساخت ترکیه به عنوان ستاره خاورمیانه شکست خورد، بلکه نسبت به هر زمان دیگری در حافظه مدرن ترکیه، مشکلات سیاست خارجی بیشتری را برای ترکیه به وجود آورد. آن‌ها تلاش کردند ترکیه را به وسیله انفصال نسبی از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه و ایفای نقش فعال در مناقشات منطقه‌ای، تبدیل به قدرتی مستقل کنند؛ اما این سیاست تقریباً شکست خورد و روابط ترکیه نه تنها با مصر السیسی و اسرائیل، بلکه با روسیه و سوریه نیز گسسته شد.

در این میان، سوریه موردی است که در رأس قرار دارد. از همان روزهای اولیه قیام این کشور، ترکیه در مقابل روسیه و ایران، جانب شورشیان را گرفت و پس از ناکامی در دریافت حمایت از متحدان خود، مانند ناتو و ایالات متحده آمریکا، کشور را در معرض بحران و تهدیدات تروریستی قرار داد (مانند بمب‌گذاری سال ۲۰۱۳ در ریحانلی). همزمان، سیاست ترکیه در سوریه

برای پیش‌بینی تهدیدات نیز شکست خورد. ترکیه از سال ۲۰۱۲، به حمایت از نیروهای پراخت که در حال رفتن به سوریه برای مبارزه با رژیم اسد بودند و به دلیل این که هدف اولیه ترکیه سقوط اسد بود، عمداً تهدید آن‌ها نسبت به خودش را نادیده گرفت. جاگاپتای معتقد است که ترکیه احتمالاً هرگز بر آن نبود که از گروه‌های جهادی حمایت کند؛ در عوض، آنکارا اعتقاد داشت (و هنوز هم امیدوار است) که با حمایت از شورشیان، به سقوط اسد کمک می‌کند. از این رو، ترکیه اکنون در منجلاب جنگ داخلی سوریه فرو رفته و از شورشیانی حمایت می‌کند که اسد و متحدان منطقه‌ای آن، یعنی ایران و روسیه با آن‌ها مبارزه می‌کنند. آنکارا همچنین مورد تهدید داعش از سمت سوریه است؛ که طی چند ماه گذشته، حملات مخربی به ترکیه داشته است، مانند حمله به فرودگاه آتاتورک استانبول. به همان اندازه انعطاف‌ناپذیری با کردها برای ترکیه تهدید آفرین است.

جاگاپتای استدلال می‌کند که سیاست خارجی ترکیه نه تنها در سوریه بلکه در کل منطقه با مشکلاتی مواجه است. آنکارا همچون سوریه در عراق نیز با مشکلاتی روبه‌رو شده، که روابطش با تهران را تحت تأثیر قرار داده است. همه این مسائل موجب شده که ترکیه در خاورمیانه دوستان زیادی نداشته باشد (به جز کردستان عراق، قطر و عربستان سعودی). از آنجا که دوحه و ریاض، حامی شورشیان ضد اسد هستند، این دو کشور تبدیل به نزدیک‌ترین متحدان ترکیه در سوریه شده‌اند. مسئله‌ای که تا همین اواخر بیشتر تهدید کننده بود، ضدیت آنکارا با روسیه در سوریه بود.

بنابراین، یک دهه رویدادهای ناگوار چشمگیر در سیاست خارجی ترکیه تحت فرمان اردوغان و داوداوغلو، حس انزوا و شکست را برای ترکیه به وجود آورده و تمایل آنکارا را برای بهبود روابط با همسایگانش افزایش داده است. البته، آشتی یک سربالایی سخت خواهد بود و به اعتقاد جاگاپتای، بستگی زیادی به کشور هدف دارد. اگرچه آنکارا،



در مورد مسائل منطقه‌ای مانند سوریه، با تهران مخالف است، اما به احتمال زیاد به توسعه روابط با تهران، از طریق بهبودبخشیدن به روابط اقتصادی ادامه خواهد داد. با اینکه تلاش برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل نتیجه داده، روابط ترکیه-مصر، که در سال ۲۰۱۳ تنزل ناگهانی داشت، احتمالاً به دلیل دشمنی متقابل بین اردوغان و عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر، محدود خواهد ماند. در سوریه نیز تغییر سیاست اردوغان بستگی به تعدادی از عوامل همچون روابط با روسیه تا دستور کار داخلی اردوغان برای شکست پ.ک.ک. در ترکیه دارد. حتی پس از آن نیز بعید است که آنکارا کاملاً در سیاستش نسبت به سوریه بازنگری کند و با حکومت اسد از در دوستی درآید.

عادی‌سازی روابط با روسیه

به نظر جاگاپتای، عادی‌سازی روابط ترکیه و روسیه تا حدی تحت تأثیر «تجارب تاریخی» قرار دارد. روسیه، در گذشته، عثمانی را به دفعات شکست داده است. در شرایط کنونی بازگشت روسیه به عنوان دشمن، نه تنها اردوغان، بلکه کل جامعه سیاست‌گذار سیاست خارجی آنکارا را نگران کرده است. این نگرانی، موجب شده اردوغان بعد از برکناری داوداوغلو، آشکارا تأسف خود را از سرنگونی جت نظامی روسیه ابراز کند. پنج روز بعد، نخست‌وزیر جدید ترکیه، بن علی ییلدریم اعلام کرد که ترکیه برای گسترش همکاری با ایران تلاش خواهد کرد و افزود که روابط با تهران اهمیت ویژه‌ای برای دولت ترکیه دارد.

جاگاپتای معتقد است کودتای نافرجام ۱۵ جولای در ترکیه که موجب ایجاد درک جدیدی در ساختار سیاسی این کشور از آمریکا شده است، به تسریع فرایند عادی‌سازی روابط با روسیه و ایران کمک کرده است. ترک‌ها بعد از کودتا، برای اولین بار در دوران اخیر، عضویت ترکیه در ناتو را زیر سؤال بردند و بحث‌هایی در مورد اینکه ترکیه باید به جای آمریکا، به سمت دوستی با روسیه حرکت کند، را مطرح کردند.

نویسنده بیان می‌کند که احتمالاً، کودتای ۱۵ جولای، مضطرب‌کننده‌ترین رویداد سیاسی در ترکیه از زمان سقوط امپراتوری عثمانی بوده است. بمباران آنکارا و هدف قرار دادن ساختمان مجلس، عمیقاً ساکنان این شهر و در واقع کل کشور را تکان داد. پایتخت ترکیه از سال ۱۴۰۲، یعنی زمانی که نیروهای تیمور لنگ آن را اشغال کردند، مورد حمله نظامی قرار نگرفته بود. ضربه دیگر، به استهزاء گرفته‌شدن مفاهیمی در مورد سلسله‌مراتب نظامی ترکیه، کودتای بدون خونریزی و این اعتقاد بود که ارتش مردم را به خاک و خون نمی‌کشد؛ مفاهیمی که در طولانی مدت تثبیت شده بود.

همان‌طور که نویسنده بیان می‌کند، در ترکیه بسیاری معتقدند که واشنگتن، در کودتای ترکیه نقش داشته است؛ زیرا فتح‌الله گولن را که در آمریکا زندگی می‌کند، طراح اصلی کودتا می‌دانند. اگرچه ترکیه هنوز شواهدی مبنی بر این که گولن براندازی اردوغان را ترتیب داده، به آمریکا ارائه نکرده است؛ اما بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که افسران هم‌ردیف گولن، هسته اصلی کودتا را شکل داده بودند. تحت این شرایط، اردوغان، که در حال حاضر به نظر جاگاپتای برخی انگیزش‌های سیاست خارجی او را آسیاگرایانه دارد، می‌تواند یک چرخش از ناتو به سمت روسیه انجام دهد، به‌ویژه نظر به این که به دنبال کودتا، چهره ارتش ترکیه، یعنی قوی‌ترین پیوند بین ناتو و آنکارا، خراب شده است. به نظر نویسنده، روسیه نیز این فرصت را درک کرده است؛ در ۲۹ ژوئن، اردوغان و پوتین، برای آرام کردن تنش‌هایی که از زمان انهدام جت جنگنده روسی توسط ترکیه، تشدید شده بود، تلفنی باهم گفتگو کردند و در نهایت در ۹ آگوست، در مسکو دیدار داشتند و تمایل خود را برای عادی‌سازی روابط نشان دادند. اگرچه پوتین برای لغو تحریم‌های اقتصادی و مالی که بعد از انهدام جنگنده روسی به ترکیه تحمیل کرده بود، موافقت کرد؛ اما به هر حال، آنکارا و مسکو در جنگ داخلی



داخلی سوریه بیشتر غیرانتقادی و بر اساس اعتقاد به عدالت و تقوای خود است. نخبگان حزب عدالت و توسعه، به حمایت از مسلمانان سنی که دوست آنها هستند و جنبش‌های سیاسی اسلامی (مانند اخوان المسلمین) معتقدند و حمایت از شورشیان اسلام‌گرای سوری (مانند احرار الشام) را نه تنها یک انتخاب سیاسی، بلکه همچنین انتخابی اخلاقی می‌دانند. این ارجاعات اخلاقی را می‌توان هم در اظهارات داووداوغلو و هم اردوغان مشاهده کرد؛ بنابراین بسیار بعید است که حزب عدالت و توسعه حمایت خود از شورشیان سنی در سوریه (یا جنبش اخوان المسلمین در کل خاورمیانه) را قطع کند.

جاگاپتای استدلال می‌کند که این دیدگاه سیاسی-اخلاقی، سیاست خارجی ترکیه در سوریه را منحرف کرده است. نمایندگان ترکیه در جنگ سوریه، مبارزان سنی هستند که بسیاری از آنها با جنبش اخوان المسلمین در سال ۲۰۱۱ شناخته شده‌اند. در مناقشه سوریه، جهادگران دیگری نیز حضور دارند که به طور مستقیم ترکیه را هدف قرار داده‌اند، با این حال هنوز هم هدف ترکیه، حفظ جهان‌بینی اخلاقی و براندازی رژیم اسد باقی مانده است. در اینجا نویسنده به نکته مهمی اشاره می‌کند و آن این است که نتیجه سیاست منسوخ توانمندسازی اسلام‌گرایان توسط ترکیه، این بوده که برخی از آنها به ویژه در سوریه، تبدیل به نیروهای افراطی شده‌اند. از زمان شروع قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۰، آنکارا از احزاب سیاسی همسو با اخوان المسلمین در مصر، لیبی و تونس حمایت کرده است. این احزاب در مصر، از قدرت برکنار شدند، در انتخابات لیبی مغلوب شدند و در میدان جنگ در لیبی به حاشیه رانده شدند. در واقع، آنکارا شرط‌بندی سنگینی بر روی یک جناح در خاورمیانه انجام داده است و به طور مکرر این شرط را باخته است.

در خصوص سیاست اردوغان نسبت به حزب اتحاد دموکراتیک، نویسنده استدلال می‌کند که در

سوریه با هم مواجه خواهند شد، جایی که حمایت آنها از طرف‌های مخالف مشکل‌ساز خواهد شد. به طور همزمان، پس از کودتا، برکناری حدود یک سوم ژنرال‌های ارتش ترکیه از پست‌های خود، توانایی کشور برای اعمال قدرت در سوریه در کوتاه مدت را محدود کرده است.

با توجه به این تحولات و با در نظر گرفتن سیاست خارجی تهاجمی ترکیه، جاگاپتای این سؤال را مطرح می‌کند که آیا ترکیه با تغییر خط‌مشی خود در سوریه، یعنی جایی که آنکارا از سال ۲۰۱۱ سیاست براندازی اسد را به هر قیمتی دنبال می‌کرد، تسلیم روسیه می‌شود؟

عوامل تعیین‌کننده سیاست آنکارا در سوریه

جاگاپتای در بخش بعدی گزارش خود، با این استدلال که سیاست ترکیه در سوریه تا حد زیادی رو به شکست است، به عوامل تعیین‌کننده سیاست ترکیه در سوریه می‌پردازد. حملات هوایی روسیه تلفات زیادی به شورشیانی وارد کرده، که آنکارا از آنها حمایت می‌کرد؛ داعش صدها نفر از مردم را طی ماه‌های اخیر در حملات تروریستی در ترکیه کشته است؛ ترکیه همچنین مبارزه با پ.ک.ک. که به‌عنوان متحد نزدیک حزب اتحاد دموکرات کرد‌های سوری، در حال کمک به ایالات متحده آمریکا، علیه داعش در سوریه است را دنبال می‌کند. ترکیه دیدگاه مثبتی نسبت به همکاری ایالات متحده آمریکا با حزب اتحاد دموکراتیک ندارد و این مسئله مانعی در همسویی منافع ترکیه و ایالات متحده آمریکا است. اخیراً، به دنبال حمله ترکیه به جرابلس، درگیری بین نیروی‌های ترکی و شورشیان مورد حمایت ترکیه با شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک یعنی یگان‌های مدافع خلق (GPY)، نگرانی‌ها در واشنگتن نسبت به خطر بالقوه مناقشه کامل بین کردهای سوری و ترکیه را افزایش داده است.

از نظر جاگاپتای، در ترکیه، اردوغان به گزینه‌های ترکیه در برابر اسد و حزب اتحاد دموکراتیک شکل می‌دهد. ادراک اردوغان از دخالت ترکیه در جنگ



چارچوب سیستم سیاسی ترکیه فعلی، اردوغان به عنوان رئیس جمهور، محدودیت‌هایی برای آینده‌اش می‌بیند: بر اساس قانون اساسی این کشور، وی رئیس حکومت است نه رئیس دولت. اردوغان برای تغییر قانون اساسی، تلاش دارد در یک رفراندوم عمومی پیروز شود یا حزب عدالت و توسعه را از آستانه ۵۰ درصد در یک انتخابات ناگهانی بالاتر ببرد، که هر کدام از آن‌ها به او اجازه می‌دهد که قانون را اصلاح کند و تبدیل به یک رئیس جمهور همچون سیستم‌های ریاستی با برخورداری از اختیارات کامل شود و در نتیجه قدرت خود را تثبیت کند. وی برای رسیدن به این هدف، نیاز دارد پایه‌های حزب عدالت و توسعه را گسترش دهد و به این منظور، از نظر جاگاپتای، او به رأی‌دهندگان از حزب حرکت ملی (PHM) که مانند حزب عدالت و توسعه، یک حزب راست‌گرا است، نیاز دارد. پیروزی نظامی بر پ.ک.ک. او را نزد رأی‌دهندگان به حزب حرکت ملی محبوب می‌کند و باعث می‌شود برخی از آنان به حزب عدالت و توسعه رأی دهند؛ که موجب موفقیت اردوغان در رفراندوم یا انتخابات می‌شود. بنابراین، اردوغان برای رسیدن به هدف، نیازمند شکست دادن پ.ک.ک. در ترکیه و حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه است.

دسته‌بندی اهداف ترکیه

جاگاپتای در ادامه به دسته‌بندی اهداف ترکیه در سوریه می‌پردازد و عنوان می‌کند که اردوغان معتقد است «موضع ترکیه در سوریه کرامت مشترک بشریت را نجات داده است». از این رو، بعید است از صحنه خارج شدن داوداوغلو، این ادراک اخلاقی اردوغان را متزلزل کند. بر این اساس، اولویت ترکیه در سوریه بدین شرح باقی می‌ماند: نخست، سرنگونی بشار اسد، دوم، جلوگیری از پیشرفت حزب اتحاد دموکراتیک، سوم، دور کردن داعش از مرزهای ترکیه. با این حال، به نظر نویسنده، آخرین حمله ترکیه به سوریه، نشان می‌دهد که اکنون آنکارا گرفتن قلمرو از

داعش را از نظر می‌گذرانند؛ ضمن اینکه همزمان، در حال جلوگیری از پیشرفت حزب اتحاد دموکراتیک در شمال سوریه به عنوان یک هدف مهم، همانند برکناری اسد است. آنکارا، با قرار دادن نیروهای خود در کریدور عزاز-جرابلس در شمال غرب سوریه، قصد دارد مانع کنترل حزب اتحاد دموکراتیک بر این منطقه شود. کنترل این منطقه توسط کردهای سوری به آن‌ها اجازه می‌دهد که کانتون‌های در حال حاضر به هم پیوسته جزیره-کوبانی در شرق جرابلس را با کانتون سوم آن‌ها یعنی عفرین در غرب عزاز به هم متصل کنند؛ بنابراین کنترل حزب اتحاد دموکراتیک بر این منطقه، یک کمربند حدود ۴۰۰ مایلی ایجاد می‌کند، که مورد خوشایند پ.ک.ک. است و ترکیه را از جنوب تهدید می‌کند. تهاجم ترکیه همچنین با هدف ایجاد یک منطقه امن کوچک برای شورشیان مورد حمایت ترکیه در شمال غرب سوریه است، منطقه‌ای که می‌تواند بر ضد اسد استفاده شود. به عبارت دیگر، هر سه هدف ترکیه اکنون با هم تحت «یورش جرابلس» جمع شده‌اند.

ترکیه و توافق بالقوه بین آمریکا و روسیه بر سر سوریه

جاگاپتای در پاسخ به این سؤال که آیا ترکیه می‌تواند جزئی از یک توافق بالقوه بین ایالات متحده آمریکا و روسیه بر سر سوریه باشد، بیان می‌کند که ترکیه به طور کامل در برابر مذاکره‌ای که اسد را حفظ کند، ایستادگی نخواهد کرد در عوض، رهبران ترکیه در منظر عموم از توافقی که مورد حمایت ایالات متحده آمریکا بوده و در بردارنده منافع روسیه و رژیم اسد باشد حمایت می‌کنند اما در پشت پرده همچنان به تلاش خود برای مسلح کردن شورشیان ضد اسد ادامه خواهند داد. همزمان، بعید است که ترکیه از تلاش‌های خود برای جلوگیری از پیشرفت حزب اتحاد دموکراتیک دست بردارد آنکارا هر کاری که بتواند انجام می‌دهد تا مانع اتصال جزیره-کوبانی به عفرین توسط حزب



اتحاد دموکراتیک شود؛ همزمان داعش را نیز از مرزهای خود دور می‌کند.

وی استدلال می‌کند که اردوغان و دیگر نخبگان حزب عدالت و توسعه که به عنوان اسلام‌گرایان سیاسی شناخته می‌شوند، معتقدند مسیر درستی را به لحاظ اخلاقی انتخاب کرده‌اند و بنابراین بعید است ترکیه حمایت خود از شورشیان را به طور کامل متوقف کند (به‌ویژه اگر تلاش‌های ترکیه برای تصرف قلمرو در امتداد کریدور عزاز- جرابلس موفق شود)؛ مگر اینکه واشنگتن حامیان سعودی و قطری شورشیان سوری را متقاعد کند که حمایت‌های مالی خود را از آن‌ها قطع کنند و به طور کامل تن به توافق بدهند. عربستان سعودی دیدگاه مثبتی نسبت به توافق ایالات متحده آمریکا و روسیه در سوریه ندارد و آن را به منزله تقدیم سوریه به ایرانی‌ها می‌بیند. از این رو، برای تضعیف حکومت اسد و حامی آن یعنی ایران، به حمایت از شورشیان سوری ادامه خواهند داد؛ که به نوبه خود، به ترکیه اجازه خواهد داد که با نقض روح توافق بین ایالات متحده آمریکا و روسیه، به تحویل سلاح و پول به شورشیان ادامه دهد.

زاویه کردها، حمایت روسیه و ریاست جمهوری اردوغان

جاگاپتای معتقد است فراتر از هر منفعتی در توافق بین روسیه و ایالات متحده آمریکا بر سر سوریه، اردوغان دلایل خودش برای تمایل به تعامل و هم‌راستاشدن با روسیه را دارد، که مربوط به مسئله کردهاست. حمایت نظامی روسیه از حزب اتحاد دموکراتیک، برنامه اردوغان برای جلوگیری از پیشرفت این حزب را تهدید می‌کند. اردوغان می‌داند که برای شکست پ.ک.ک. به منظور رسیدن به ریاست جمهوری ریاستی، ناگزیر است پیوند بین روسیه و حزب اتحاد دموکراتیک را قطع کند. از نظر جاگاپتای، اردوغان نگران است سلاح‌های ارائه‌شده روسیه به حزب اتحاد دموکراتیک، به دست پ.ک.ک. بیفتد و شکست این گروه توسط ترکیه را غیرممکن نماید. تلاش

وی برای قطع پیوند بین روسیه و کردها، حامیانی در کل جامعه غیرحزبی آنکارا، شامل سکولارها و حتی ارتش ترکیه، خواهد یافت. سیاستگذاران در آنکارا همه شکست پ.ک.ک. را می‌خواهند و می‌دانند که اگر پ.ک.ک. پشتوانه روسیه را داشته باشد، این امر غیرممکن است.

مسئله اینجاست که ترکیه نمی‌تواند واقعاً نیروی نظامی به درون سوریه ارسال کند. پس از حادثه انهدام جت روسی، مسکو منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه اعلام کرد و یک سامانه دفاع ضدهوایی در این ناحیه مستقر کرده، که آماده است هر هواپیمای ترکی یا نیروی زمینی در حال ورود به شمال غرب سوریه را هدف قرار دهد. بر این اساس، جاگاپتای معتقد است طی ملاقاتی که اردوغان در ۹ آگوست با پوتین در سن‌پترزبورگ داشت، از پشتیبانی روسیه برای حمله به جرابلس برخوردار شده است. با این حال، برای اینکه روسیه به قطع پیوند با حزب اتحاد دموکراتیک راضی شود، ترکیه مجبور است حمایتش از شورشیان ضد رژیم اسد که در حال مبارزه برای حلب هستند و همچنین آن‌هایی که در نزدیک استان ادلب مستقر شده‌اند، را کم کند.

از نظر جاگاپتای، پوتین می‌تواند پاسخ متقابل بهتری به ابتکار عمل ترکیه برای آشتی بدهد. پس از جنگ سرد، سیاست روسیه نسبت به آنکارا بر اساس این اصل بوده که ترکیه هرگز به‌طور کامل با روس‌ها بیگانه نشود. به‌ویژه از زمان به قدرت رسیدن پوتین، استراتژی روسیه، نزدیک کردن ترکیه به خود و دور کردن آن از ناتو بوده است. پوتین می‌داند که در این مرحله، دورتر کردن ترکیه از خود، منجر به فشار آوردن به ترکیه برای نزدیک‌تر شدن به ناتو می‌شود. پوتین همچنین می‌داند که تحریم ترکیه آسیب‌های پایدار بیشتری به خود روسیه وارد می‌کند. ترک‌ها مشتریان زیادی برای اجناس ارزان، اما با کیفیت بالای خود دارند و روس‌ها از تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و سقوط قیمت نفت آسیب دیده‌اند و در نهایت نیازمند دسترسی به بازارهای خود هستند.



حزب اتحاد دموکراتیک، شکست پ.ک.ک. در ترکیه و آسیب زدن به گولن در خارج از کشور، نیازمند انجام هر اقدام لازمی برای عادی سازی روابط با روسیه، شامل مسئله سوریه، است. ایالات متحده آمریکا، به سهم خود، به دو دلیل پذیرای روابط بهتر میان پوتین و اردوغان است. نخست اینکه، آن‌ها به مبارزه همه‌جانبه بر ضد داعش کمک می‌کنند؛ دوم اینکه، مذاکراتی که در حال حاضر بین اسد و مخالفان سوریه در جریان است را مدیریت خواهند کرد.

در نهایت، شکست پ.ک.ک. توسط نیروهای اردوغان، پیروزی حزب عدالت و توسعه در یک انتخابات ناگهانی یا در رفتار دوم راه‌موار خواهد کرد، که البته هر دو مورد به لطف رأی ناسیونالیست‌ها امکان‌پذیر خواهد بود. در این صورت، ترکیه به احتمال زیاد پس از آن، نسبت به پ.ک.ک. و نیز نسبت به حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه کمتر متخاصم خواهد شد. در این مرحله، اردوغان می‌تواند مذاکرات صلح با پ.ک.ک. را از طریق رهبر زندانی این گروه یعنی عبدالله اوچالان دوباره از سر بگیرد و نیز موضع کمتر خصمانه‌ای نسبت به همکاری ایالات متحده آمریکا با حزب اتحاد دموکراتیک و یگان‌های مدافع خلق بگیرد.

عادی سازی روابط ترکیه با روسیه همراه با یک امر ناگزیر خواهد بود: ترکیه مجبور به توقف یا حداقل کاهش حمایت از شورشیان ضد اسد در سوریه است. توافق احتمالی بین روسیه و ایالات متحده آمریکا در سوریه، همچنین به عادی سازی روابط روسیه و ترکیه کمک خواهد کرد؛ اما، در نهایت، با توجه به موضع ایدئولوژیک اردوغان در جنگ داخلی سوریه، ترکیه به حمایت خود از شورشیان ضد اسد ادامه خواهد داد، مگر این که واشنگتن، عربستان و قطر را متقاعد کند که به‌طور کامل، حمایت‌شان از شورشیان را پایان دهند، که یک سناریوی بعید است. در صورت توافق بین ایالات متحده آمریکا و روسیه بر سر سوریه، ترکیه به‌طور رسمی به این توافق می‌پیوندد، اما پشت پرده به جریان کمک‌ها به شورشیان ضد اسد ادامه خواهد داد.

بنابراین، به اعتقاد جاگاپتای، پس از لغو تحریم‌های اقتصادی، بعد از حادثه جت جنگنده روسی، در روزهای آینده، روسیه حرکت‌های بیشتری نشان می‌دهد. روسیه همچنین به احتمال زیاد، مشوق‌های مالی مربوط به گردشگری، تجارت، ساخت و ساز و معاملات خط لوله را به اردوغان پیشنهاد خواهد داد، که به رئیس‌جمهور ترکیه کمک خواهد کرد پایه‌های اقتصادی حکومت خود در ترکیه را محکم کند. شاید در پیش‌بینی حرکت بعدی پوتین بوده که اردوغان در حرکتی متقابل، مطالبی در حمایت از خط لوله گاز طبیعی مشترک ترکی-روسی بیان کرد. تجدید حیات این پروژه، که به روسیه اجازه می‌دهد اوکراین را در صادرات گاز کنار بگذارد، محور از سر گرفتن روابط حسنه ترکیه و روسیه خواهد بود.

به هر حال، به عنوان نتیجه تحولات اخیر، همان‌گونه که نویسنده بیان می‌کند این مسئله که روابط ترکیه و روسیه در سوریه تا چه میزان تغییر خواهد یافت، نامشخص است. روسیه، برای مثال، ممکن است به این نتیجه برسد که برای حفظ حلب غربی برای اسد، نیازمند کمک یگان‌های مدافع خلق است و از این رو، آهسته‌تر از انتظارات ترک‌ها برای رها کردن کردها عمل کند. اردوغان نیز ممکن است برای کنار گذاشتن حمایت از شورشیان ضد اسد که در حال جنگیدن برای حفظ شرق حلب هستند، تحت فشارهای داخلی قرار گیرد. جاگاپتای معتقد است پوتین برای راضی کردن اردوغان ممکن است از کارت گولن استفاده کند و پیشنهاد ارائه کمک‌های اطلاعاتی بر ضد جنبش گولن و استفاده از نفوذ خود بر جمهوری‌های آسیای مرکزی را به اردوغان بدهد، به طوری که آن‌ها را وادار کند قوی‌ترین و قدیمی‌ترین شبکه‌های هم‌تراز گولن در بیرون از ترکیه را از بین ببرند.

نتیجه‌گیری

آن‌گونه که از تحلیل‌های جاگاپتای در این مقاله برمی‌آید، اردوغان برای رسیدن به اهداف خود یعنی مجازات داعش در سوریه، جلوگیری از پیشرفت‌های

